



امام خمینی (ره):



باید حکومت چنان باشد که اگر رئیس جمهورش توی مردم آمد، دوره اش بکنند و با او خوش و بش بکنند؛ نه اینکه اگر صدایش در آید، فرار کنند از دستش.

گاهنامه ی رویش انجمن اسلامی مستقل / سال بیست و دوم

خرداد ۱۴۰۱ ● شماره ۴۲ ● تیراژ ۱۷۵ ● قیمت: ۱۷۵۰ تومان

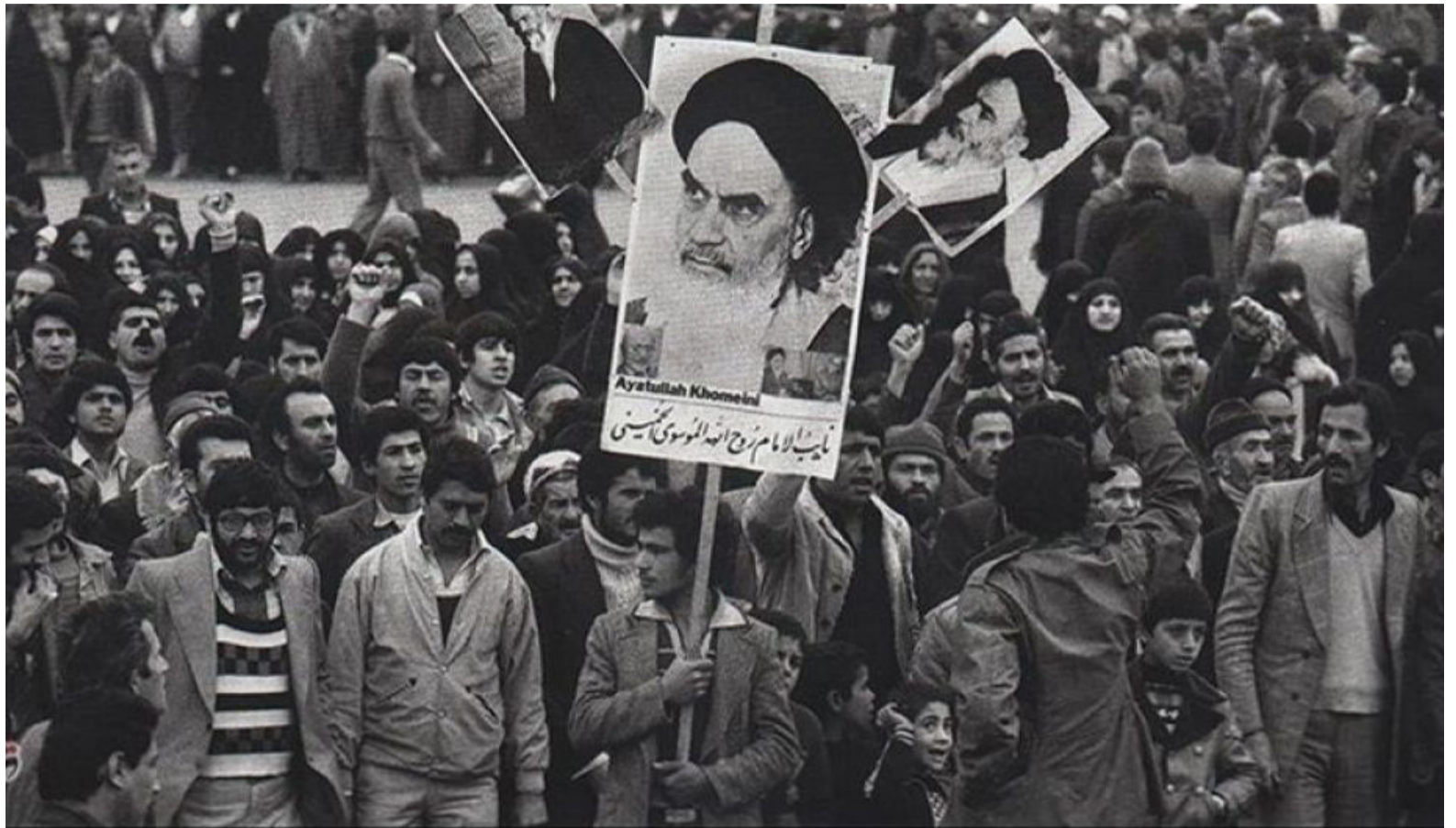
سرتیتر:

از انقلاب تا ظهور

افول پهلوی، فروغ خمینی

مصاحبه با مسئول دفتر
نهاد در دانشگاه علوم
پزشکی رفسنجان

مردی جاودان در قلب ها



هلاک کند، اما وقتی که دستمان را از آستین بیرون آوردیم و همراه با دعا اقدام کردیم و فریاد زدیم و کشته دادیم و جهاد کردیم، پیروز شدیم. حالا هم مسئله همین است. اگر ما باز هم متوقع باشیم یک عده معبود این کار را بکنند یا اینکه فکر کنیم خدا خودش همان طور که ما را در آن موقع پیروز کرد و نجات داد و کمک کرد، حالا هم کار را درست می کند، درست نمی شود و حتی ممکن است بدتر شود و خطر بزرگتری در کمین ما باشد. دشمن با چهره ها و با توطئه های تازه همیشه بیدار است. مگر دشمن فقط خاندان پهلوی است؟ آن سبب بشکست و آن پیمان ریخت، ما دیگر خطر برگشت آن رژیم را نداریم؛ اما مجموعه دشمن جهانی و آن حالت طغیان و استثمار و خودکامگی که بعضی گروهها و دولتها و قدرتهایی که همیشه می خواهند خون مردم را بکنند، چه در داخل و چه در خارج، به صورتهای تازه ای تجلی می کنند و از راههای تازه ای وارد می شوند. دشمن با قیافه های تازه و از جای دیگر رخنه می کند. اگر این مردم بودند که باعث پیروزی در مرحله اول انقلاب شدند، این مردم هستند که باید در این مرحله سازندگی پیروز شوند. اگر فکر شود که این انقلاب ما متولی دارد که می آید و کار را درست می کند اشتباه است.

ای و ادامه راه، اندیشه ها و آرمان های بنیانگذار جمهوری اسلامی است. اکنون در مرحله دوم از انقلاب خود هستیم. در مرحله اول بت را شکستیم و خانه ظلم و استبداد را ویران کردیم. اما در مرحله سازندگی چطور؟ در مرحله اول اگر فقط رهبر بود و مردم حضور نداشتند و فقط یک قشر خاصی بودند که مبارزه و سینه سپر می کردند پیروزی حاصل نمی شد. آیا در این مرحله دوم انقلاب که بسیار پیچیده تر و حساس تر و خطرناک تر است و نیروی خیلی بیشتری لازم دارد می توان بدون حضور مردم پیروزی به دست آورد؟ آیا در این مرحله ما معتقد و متوقع هستیم مثل بنی اسرئیل که به موسی (ع) گفتند: «فاذهب إنت و ربک فقاتلانا هنا قاعدون» به رهبر خود خطاب کنیم که ای امام! شما با چند نفر از اطرافیان خود بروید و بسازید و کار را تمام کنید و مملکت را اصلاح کنید و نظام عدل اسلامی را بنیان بگذارید و جمهوری اسلامی را مستقر کنید و حق مردم را به آنها باز گردانید؟ این همان منطقی می شود که سالها داشتیم و پیروز هم نشدیم. صدها سال گوشه مساجد یا بعد از نماز آهسته می گفتیم خدا خودش ریشه ظلم را بکند، خدا دشمنان آل پیغمبر (ص) و دشمنان مسلمانها را

سرمقاله

از انقلاب تا ظهور

انسیه فتح آبادی
بهداشت عمومی ۹۹

زنده بودن هر مکتب و اندیشه ای به آن است که توسط هر نسلی بازخوانی و از جهات مختلف به روز شود و الا نه تنها تاریخ ساز نخواهد بود بلکه کم کم فسیل میشود و به موزه تاریخ سپرده خواهد شد. سالگرد حضرت امام بهانه ای است تا بعدی از اندیشه ایشان از یک سو و تفسیرها از سیره و اندیشه وی از سوی دیگر یادآوری و بازخوانی شود. در سال های پس از رحلت امام، علاوه بر اندیشه ها و ابزارهای وارداتی، از اندیشه امام نیز برای مبارزه با جمهوری اسلامی بهره برده می شود. علت تأثیرگذاری بالای اندیشه های امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی در جهان اسلام و غرب تکیه صرف بر مبانی اسلام در همه امور بود. ایشان برای کوچکترین امورات زندگی از خوردن و خوابیدن و کارهای شخصی گرفته تا مسائل پیچیده مملکتی از کتاب و سنت الهام می گرفت. ایشان با تکیه بر همین ویژگی توانست در برابر دنیا بایستد و در سن ۸۰ سالگی انقلاب را به پیروزی برساند. شخصیت امام خمینی (ره) مصداق بارز آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ... وَلَيَبْذُلَنَّهُمْ مَن بَعَدَ خَوْفِهِمْ أُمَّتًا ...» [۲] خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده اند و اعمال صالح انجام داده اند وعده می دهد که آنها را قطعاً خلیفه روی زمین خواهد کرد، همانگونه که پیشینیان را خلافت روی زمین بخشید... و خوف و ترس آنها را به امنیت و آرامش مبدل می کند... است و پیروزی انقلاب اسلامی تحقق عینی وعده خداوند در زمینه پیروزی است. به وجود آمدن یک انقلاب کارسخت و دشواری بوده ولی از آن سخت تر و دشوار تر حفظ انقلاب است. علت استمرار مسیر انقلاب اسلامی بعد از ارتحال امام راحل، رهبری آیت الله العظمی خامنه

خم ابرو

این خم ابرو نشانه ایست برای یک عمر مادری

قاسم جدیدی
علوم آزمایشگاهی ۹۸

بسم الله الرحمن الرحيم
روح الله الموسوی الخمينی که امام و رهبر یک قیام شد. کلیشه ای حرف زدن همانقدر که ساده و بی دردسر است، حوصله را سر میبرد و فکر را از شنیدن این حرف ها متنفر میکند. دیگر نمیشود از امام گفت. امامی که حرف زدن در مورد او از بس تکراری است، یا کلیشه شده است و یا آنقدر دور از ذهن بیان شده که بیشتر شبیه به افسانه است.
بگذارید به امام خمینی بگویم؛
مادر
مادر را در کنج حجره اش دیده ایم. حرف های تکان دهنده جوانی مادر را در پیش آیت الله مدرس شنیده ایم. کمی هم در مورد عمق کتاب هایی که نوشته است میدانیم. از شجاعت بی مثال مادر و پایبندی به هدف والای او حتی در بدترین شرایط، بیشتر شنیده ایم. بعضی ها هم یادآور شده اند که مادر آن بخش از دین را گفت که کمتر کسی به آن پرداخته بود. از حکومت دینی و الهی میگفت که عالم معتقد به آن زیاد داشت اما کمتر کسی به فکر احیای آن بود. مادر یک تنه و بی پروا از ایجاد حکومت دینی میگفت که سایر علمای دین در مورد آن یا سکوت میکردند و یا آن را به آینده موکول میکردند. البته بعضی از دین خواهان جدایی دین از سیاست، حکومت دینی را خارج از معارف دین می دیدند و مادر را تکفیر و او را مرتد می دانستند. اینان حکومت و سیاست را برای معاویه و نماز شب خواندن را از علی (ع) میخواستند. لیکن مادر کوتاه نیامد. صفحه ی گرد و خاک گرفته کتاب معارف دین را با تمام توان تمیز کرد. از روی آن برای بقیه خواند و برای اجرای آن استخاره نکرد.
مادر حتی بعد شهادت فرزند خونی خود، خم به ابرو نمیآورد و برای همه فرزندان لحظه ای از ادامه مسیر باز نمی ایستد و اینجاست که ایمان را معنی می بخشد.
مادر معنی ای دارد که سخت در کلمه ای دیگر جان میگیرد و روح می بخشد.
مادر همه اش دلسوزی است
همه اش تلاش است
همه اش چیزی است که او را امام میکند.

از علل قیام امام خمینی

افول پهلوی، فروغ خمینی

محمدحسین کشتکانی
پزشکی ۹۶

پس از وفات آیت الله بروجردی در سال ۱۳۴۰، شاه به صورت آزادانه تری به دنبال تقابل با دین بود و عرصه را از مرجعیتی در حد گذشته خالی می‌دید.

با تصویب لوایح مختلف از جمله لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، مشخص شد که شاه قصد نابودی دین و روحانیت را دارد. از این رو برخی از علما به مخالفت با این عوائل پرداختند. از جمله اعلام عزای عمومی در فروردین ۱۳۴۲ به مناسبت شهادت امام صادق(ع) بود که حمله به مدرسه فیضیه و به خاک و خون کشیدن طلاب بی دفاع توسط ماموران شاهی را در پی داشت. در ۱۳ خرداد امام در فیضیه سخنرانی علیه شاه داشت و در پی آن دستگیر شد که به قیام ۱۵ خرداد در برخی مناطق از جمله تهران و قم و ورامین و ... شد. تجمعات ۱۵ خرداد نیز به آشوب و سرکوب شدید توسط شاه انجامید. همین حوادث، زمینه ساز و جرقه ی انقلاب اسلامی را در پی داشت. فردی تنها که پشتیبانش خدا و به دنبال آن مردم بودند کاری را آغاز کرد که به بهمن ۵۷ رسید و به ثمر نشست.

کار عظیمی که هضم آن برای خیلی‌ها در دنیا آسان نبود و یک گاو شیرده برای غرب به دشمنی سرسخت برای آنها تبدیل شد. برای آنان که فکر میکردند مانند بقیه انقلاب‌های دنیا، این انقلاب هم دوام ندارد و با کودتا و فریب سران نظام یا حتی جنگ، میتوانند آنرا ساقط کنند. اما جمهوری و اسلامیت این انقلاب باعث ماندگاری آن شده و به آن جان داده است.

حاکمیتی که هم اسلامی و هم مردمی باشد رمز موفقیت امام بود. امامی که نه درود بر خمینی و نه مرگ بر او، تغییری در دلش ایجاد نمیکرد. فقط به دو چیز باور داشت، یکی باور به خدا و دیگری باور به مردم. دل به خدا داشت، عزیز شد و پشتوانه مردمی هم پیدا کرد تا کاری عظیم به ثمر بنشاند. امام این امت اسلامی را میشناخت و میدانست که اگر فردی لایق ایشان را رهبری کند، این امت در عرصه‌های زیادی میدرخشد.

گاه فردی نالایق مثل شاه سلطان حسین باعث میشود که ایرانی محو شود و در لاک خود فرو رود و گاه نادر نامی می‌آید و با شجاعت از همان مردم قهرمانان میسازد و افتخار آفرین میشود.

باور به خدا و همین امت بود که هشت سال پر افتخار را در دفاع مقدس در مقابل دنیا به نمایش گذاشت. شهید فهمیده‌ها سخته شدند و درخشیدند.

امام، به مردم کلمه‌ی میتوانیم آموخت تا از وادادگی و میتوانیمی که غرب به مردم آموخته بود، رهایی یابند.

ایران را از تسلیم محض پهلوی در مقابل استکبار جهانی، به استقلال رساند که بتوانیم بگویم دوران بزن و در رو تمام شده، بتوانیم آمریکایی جماعت را که کسی نمیتواند بگوید بالای چشمتان ابروست، اسیر کنیم و به او بفهمانیم اینجا خلیج فارس ایران است.

به ما توانست آموخت تا در عرصه‌های زیادی پیشرفت کنیم.

آموخت که نقاط محروم را دریابیم و روی پای خودمان بایستیم. فرهنگ را از غرب یا شرق نگیریم و فرهنگ خودمان را اشاعه دهیم.

طبق راه امام عزیز که میتوانیم به ما آموخت، همانگونه که توانستیم از زیر سلطه غرب و استبداد شاه برون آیم، پس میتوانیم و باید بتوانیم از مشکلات کنونی اقتصاد هم پیروز بیرون بیاییم. فقط باید باور داشته باشیم که پیر جماران عزیز، به ما جوانان باور داشت

مصاحبه

در چهل و دومین شماره نشریه رویش بر آن شدیم که با مسئول نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان پیرامون وضعیت دانشجویی و فرهنگی صحبتی داشته باشیم.

تیم انجمن اسلامی

لطفا خودتان را معرفی کنید؟

بسم الله الرحمن الرحیم، بنده عباس صادقی هستم، مسئول نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان

علت تصمیم شما برای آمدن از دانشگاه ولی عصر رفسنجان به دانشگاه علوم پزشکی چه بوده است؟

شیوه انتقال به این صورت بیشتر دست خود ما نیست، یعنی بعد از یک مدت مقام‌های بالاتر تصمیم بر این میگیرند که یک جابه جایی صورت بگیرد کما اینکه ماندن من اینجا، از همین الان تا یک مدت دیگر تغییر و تحولاتی دارد که خلاصه من به دانشگاه دیگری منتقل می‌شوم، شخص دیگری با افکار نو، روحیه‌ی جدید می‌آید که بتواند تغییر و تحولات را دنبال کند. تصمیم شخصی من نبوده، تصمیم نهاد کل بوده است.

در این مدت شش، هفت ساله که در نهاد دانشگاه ولی عصر فعالیت داشتید، چه اقداماتی را انجام داده‌اید؟

دانشجوهای آن زمان که بعضی از آنها ۱۲ تا ۱۵ سال است که فارغ التحصیل شده‌اند، من هنوز تقریباً با اغلب آنها در ارتباطم، ما ارتباط خیلی صمیمی داشتیم؛ البته شرایط دانشجویان آن زمان تا الان، نمی‌گویم خیلی زیاد اما یک مقدار متفاوت تر بود. واقعیتش این است که ما بعضی مواقع که دور هم می‌نشستیم تا ساعت ۱۲ شب، ۱ شب هم طول می‌کشید که خانواده‌ام هم شاکمی بودند که چرا این وقت را برای خانواده نمی‌گذارید، چرا همیشه آنجا هستید اما حقیقتاً من کل دانشجویان را چه دانشجویان در دانشگاه ولی عصر، چه دانشجویان علوم پزشکی را واقعا مثل فرزندان خودم می‌بینم. هر کاری که برای فرزندان خودم می‌خواهم انجام دهم و می‌دانم خوب است همان را عیناً برای دانشجویان خودم می‌خواهم. شاید این روابط صمیمانه و دلی باعث شده که یک مقدار ما با دانشجویان در ارتباط باشیم. اقداماتی را هم در زمینه‌های فرهنگی، اردویی، سیاحتی، زیارتی انجام داده‌ایم که حتی اردوی کربلا را با خود دانشجویان رفتیم.

در دانشگاه علوم پزشکی آخرین حضورتان بین دانشجویان فرهنگی یا عامه چه زمانی بوده است؟ و آیا تصمیمی به دیدار بیشتر با دانشجویان در فضای خارج کلاسی دارید؟

هفته گذشته (۱۰ خرداد) جلسه بود. هفته گذشته تصویب کردیم برای همه گروه‌ها مثل رادیولوژی، هوشبری، پزشکی و... به هر صورت یک برنامه ریزی شود که یک روز ظهر بیرون برویم و ناهار را



دور هم باشیم، یک مقدار این ارتباط بیشتر باشد. متأسفانه با کرونا این اتفاق بین دانشجویها افتاد که من احساسم این است که گریزان از مسئولین هستم و چون ۲ سال تعطیل بوده، این یک مقدار ارتباط را کم‌رنگ تر کرد. ما به دنبال همین هستیم که این ارتباط پررنگ شود. قطعاً ما به دنبال ارتباط با دانشجویان هستیم و نمی‌دانم که شما چقدر این را تایید میکنید. حضور بنده هم در خوابگاه‌ها هم به صورت محسوس و هم غیر محسوس هست که حضور به صورت غیر محسوس بیشتر بوده است.

جلسه شورای فرهنگی در دانشگاه آخرین بار کی برگزار شده است؟ شما به عنوان یکی از افرادی که مسئولیت سنگینی در کار فرهنگی به دوش دارید آیا پیگیر این قضیه بوده‌اید و آیا عدم اهمیت مسئولان به کار فرهنگی مشکل ساز نیست؟

جلسه هفته گذشته یکشنبه اول خرداد برگزار شد. قطعاً کسی که اینجا می‌آید دغدغه دارد، دغدغه فرهنگی دارد که بتواند کارهای خیلی خوبی را که واقعا روی دانشجو تاثیرگذار باشد. چندین تصمیم را در هفته گذشته گرفتیم مثلاً یکی از مهمترین آن به خاطر دوری دانشجو خصوصاً ورودی ۹۹-۱۴۰۰ که مطلقاً از شرایط دانشگاه اطلاع ندارند، ما یک سری کارگاه‌های آموزشی داریم می‌گذاریم، هفته آینده هم با همه نماینده‌های ورودی ۹۹-۱۴۰۰ هم یک سری جلسات را گذاشتیم اما در جهت فرهنگی اولین چیزی که به ذهن ما رسید که حتماً انجام شود معرفت‌افزایی فعالین فرهنگی است. چندین استاد هم دعوت کردیم، با همه تشکل‌ها و کانون‌ها هم صحبت کردیم که جلسات را تشکیل دهند. بنده قبول ندارم که کسی در کارهای فرهنگی کم کاری می‌کند. نه تنها دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان بلکه همه دانشگاه‌ها اولویت آخری که قرار می‌گیرد بحث اولویت فرهنگی است، کار فرهنگی اگر بودجه‌ای اضافه آمد به آن می‌دهند، دغدغه‌ای نیست. هر چیزی جای خودش را دارد، اگر قرار باشد دانشگاه یک بودجه فرهنگی را بدهد، شفاف اعلام کند. این توقع ما سالها است که بخش فرهنگی مشخص کند که مثلاً انجمن اسلامی در این ۱ سال مبلغ مشخصی بودجه در اختیارش است که بداند براساس این مبلغ برنامه ریزی بکند. این موارد را سالهاست که ما می‌گویم اما هنوز که هنوز است محقق نشده است، نه در دولت قبل و نه در دولت جدید. متأسفانه در همه جای کشور ما مخصوصاً در علوم پزشکی کارهای فرهنگی آخر کار قرار دارد و این واقعا درد است. در حالی که ما باید یک پزشک، پرستار و یا دندانپزشکی را

تربیت بکنیم که این‌ها معتقد به ارزش‌ها باشند، معتقد به انقلابی که این همه خون به پای آن داده شده، باشند، باور داشته باشند که متأسفانه این امروزه صورت نمی‌گیرد. در این مدت کرونا، این کم کاری ما بوده است که در این مدتی که دانشجو در دانشگاه حضور نداشت، ما چقدر توانستیم با او در ارتباط باشیم، چقدر احوالش را گرفتیم، چقدر توانستیم از این طریق خوراک فرهنگی را برایش آماده کنیم؛ در این زمینه کم کاری شده است.

باتوجه به مناسبت سالگرد ارتحال امام خمینی ره چه اقداماتی در دانشگاه در جهت تبیین مکتب امام ره به دانشجویان انجام شده است؟

در جلسه فرهنگی هم راجع همین موضوع صحبت شد، راجع چندین کتاب هم صحبت شده، مسابقاتی را چه در سطح دانشجویی باشد، چه کارمندی یا استادی، هم اندیشی اساتید، مراسم بزرگداشت با یک سخنران خوب در خور شان امام و تبیین دیدگاه حضرت امام در بین دانشجویان، اساتید و کارمندان شود. یکی از کارهای ما، برگزاری کلاس‌های گام دوم انقلاب برای اساتید است که اساتید در کلاس‌هایشان این‌ها را به دانشجویان انتقال دهند.

چه مقدار از اندیشه‌های امام خمینی ره در واحدهای مختلف دانشگاه اجرا میشود؟

در بعضی از جاها یک مقدار مقیدتر هستند، نیروهای ما هنوز نیروهای خیلی خوبی هستند و در بین جوان‌هایی که تازه سر کار می‌آیند این اندیشه‌ها یک مقدار کم‌رنگ است.

حرف آخر:

واقعا ما یک توقعی را داریم که مشکل‌های ما یک مقدار در این زمینه‌ها فعال باشند. دانشجویان در تشکل‌ها یک مرتبه از من درباره‌ی جو دانشگاه توضیح نخواستند و نیامدند که یک برنامه‌ای را ارائه دهند. حدود ۲ ماه از حضوری شدن دانشگاه می‌گذرد و لذا ما این توقع را داریم که اگر یک جایی شما دانشجویان این خودگی را در من دیدید، وقتی شما بیایید من حواسم را جمع می‌کنم کما اینکه همینکار را امروز انجام دادید. این بهترین کار است. وقتی شما از من مطالبه بکنید من قطعاً مواظب یک سری کارها و رفتارهای خودم و تلاش بیشتر برای انجام امور هستم. در هر صورت ما همه جوهره در خدمت تشکل‌ها هستیم چون واقعا نهاد رهبری به تنهایی نمی‌تواند. ما تمام بازوهای اجراییمان دانشجویها هستند که ان‌شالله با همت شما بتوانیم کارهای خوب و ماندگار را در دانشگاه انجام دهیم.

مردی جاودان در قلب‌ها

گزیده‌ای از اوصاف شخصیت امام

انسیه فتح آبادی
بهداشت عمومی ۹۹

امام خمینی (ره) شخصیتی همیشه پیروز بود، باید رمز پیروزی او را کشف کرد راز پیروزی آیت الله خمینی (ره) در شخصیت و خمیره او بود که هر شخصیت بزرگ باید آن را دارا باشد.

بدون شک موفقیت امام خمینی (ره) را باید در ویژگیهای شخصی و شخصیتی ایشان از یک سو، و مردم‌خوب و نجیب و غیرتمند ایران اسلامی از سوی دیگر دانست مهمترین ویژگیهای

فردی و رهبری امام به طور خلاصه عبارتند از: اخلاص، اتکال به خداوند، تلاش پیگیر، شجاعت و مقاومت و مداومت در راه هدف، داشت نظم و برنامه، تواضع و فروتنی، وظیفه‌مداری، مردم‌گرایی، خدامحوری، غیرت دینی و ملی، زمان‌شناس، ایمان به راه، هدف و ایمان به مردم، طاقت‌زبان، صراحت‌بیان، پیشتاز بودن در عرصه گفتار و رفتار، سعه صدر، ساده‌زیستی و عدم تعلق به زخارف دنیا، برخورداری از شایستگی‌های علمی و عملی، جامعیت در ابعاد مختلف، تیزبینی و تیزهوشی، استقلال‌طلبی، آزادیخواهی و...

وجه تمایز امام خمینی (ره) با سایر رهبران سیاسی و مراجع تقلید را در فراتر رفتن از دستگاه فقه سنتی، پایبندی به نظام ارزش‌های مدرن، الگو و چشم‌انداز عدالت‌محور، قابلیت‌های رهبری و تاثیرگذاری و توانمندی رهبران فکری، دینی سیاسی و فرهنگی همراه بنیانگذار جمهوری اسلامی است.

امام مانند برخی نبود که تنها شعار ملی‌گرایی داده ولی کارنامه‌شان پر از خدمت به اجانب و خیانت به شکور است امام هر جا که احساس می‌کرد کشور یا ملت و یا عزت و افتخار ملی در معرض خطر است سینه سپر کرده وارد میدان می‌شدند لذا هنگامی که قرارداد کاپیتولاسیون (به عنوان سند اسارت ملت) به امضا می‌رسد، این امام بود که به تنهایی وارد میدان شده و با آن آیه استرجاع آن سخنرانی ماندگار و تاریخی را در آبان سال ۴۳ ایراد کرده و به طور همزمان شاه و آمریکا را مورد رگبار حملات خود قرار می‌دهند تا جایی که رژیم

دیگر نتوانست امام را تحمل کند و در نتیجه او را به خارج از کشور تبعید کرد. هنگامی که شاه در شیراز سر قبر کوروش رفته و اعلام می‌کند: توبخواب و ما بیداریم، امام در ضمن سخنرانی در نجف اشرف می‌فرماید: «... مسخره

را بنگرید! بیدار برای چه؟ وطنی که یک گروه‌بان آمریکایی باید به ارتشبد تو دستور دهد، چه وطنی و چه محافظتی از وطن؟!» امام با آنکه شاه و نظام شاهنشاهی را قبول نداشتند اما از ذلت و زبونی شاه در برابر رئیس

جمهور آمریکا به شدت اظهار تأثر کرده می‌فرمایند: «شاه بله قربان گو بود و من این را مکرر گفته‌ام و از بس متأثرم باز هم پیش شما عرض می‌کنم که من وقتی عکس شاه را پهلوی جانسون دیدم که جانسون عینکش را برداشته و از این طرف دارد چشمپایش آن‌طور نگاه می‌کند و به او نگاه نمی‌کند و او آن طرف می‌زد، سر جای خودش ایستاده بود، ... مثل یک بچه مکتبی که ایستاده پیش معلمی، ... من همچو متأثر شدم که ما، در چه حالی هستیم که این اول شخص مملکت ما با اصطلاح هست.»

شناسنامه

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی مستقل دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان

مدیر مسئول: حسین منطری

سردبیر: انسیه فتح آبادی

مدیر هنری: محمد باهری

شماره: ۴۲ / خرداد ۱۴۰۱

قیمت: ۱۷۵۰ تومان